

Original Article

The Legitimacy of Hypnosis and its Consistency with Principles of Bioethics

Seyed Reza Asadi Vanani^{1*}, Mohamad Mohseni Dehkalani², Saeid Ebrahimi³, Abasali Soltani⁴

1. PhD Student, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author)

Email: asadi22@yahoo.com

2. Associate Professor, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

3. Assistant Professor, Faculty of Theology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

4. Associate Professor, Faculty of Theology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

Received: 8 Sep 2018 Accepted: 26 Dec 2018

Abstract

Background and Aim: Although hypnosis is a controversial issue, but most of doctors and psychologists consider it an effective and powerful therapy for a wide range of conditions, such as personality disorders, anxiety and pain. The present study analyzes the legitimacy of hypnosis based on Islamic jurisprudence and four principles of bioethics.

Materials and Methods: In this analytical study, the published texts and related articles were purposefully searched and reviewed, and then the jurisprudential reasons about hypnosis as an emerging issue, and its legitimacy based on Islamic jurisprudence and consistency with four principles of bioethics were discussed and analyzed.

Findings: There are three jurisprudential views on hypnosis and its utilization. For some jurists, hypnosis is classified as magic, which is forbidden to do so. Some other jurists have allowed the use of hypnosis, if necessary. There is a third view that it is considered as an emerging issue, and a legal and ethical rule must be elicited about it. The principle of respect for autonomy about hypnosis are essentially in conflict with what is in Shari'a but in the three other principles of bioethics, namely, beneficence, non-maleficence and justice, these principles are consistent with what has been enshrined in the Shari'a.

Conclusion: Given the emergence of the issue of hypnosis, it can be concluded that, based on the rule of no-harm in Islamic jurisprudence and bioethics, the use of hypnosis in medicine is permitted, if necessary.

Keywords: Hypnotism; Magic; Islamic Jurisprudence; Bioethics; Emerging

Please cite this article as: Asadi Vanani SR, Mohseni Dehkalani M, Ebrahimi S, Soltani A. The Legitimacy of Hypnosis and its Consistency with Principles of Bioethics. *Bioethics Journal* 2018; 8(30): 107-117.

مشروعیت هیپنوتیزم و همسویی آن با اصول اخلاق زیستی

سیدرضا اسدی وانانی^{۱*}، محمد محسنی دهکلانی^۲، سعید ابراهیمی^۳، عباسعلی سلطانی^۴

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: asadi22@yahoo.com

۲. دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۳. استادیار، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۴. دانشیار، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۵

چکیده

زمینه و هدف: اگرچه هیپنوتیزم یک مسأله بحث‌برانگیز است، اما اکثر پزشکان و روانشناسان آن را یک روش درمانی مؤثر و قدرتمند برای محدوده وسیعی از شرایط از قبیل اختلالات شخصیتی، اضطراب و درد می‌دانند. مطالعه تحلیلی حاضر به تحلیل مشروعیت هیپنوتیزم بر اساس فقه اسلامی و اصول اخلاق زیستی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه تحلیلی، متون و مقالات مرتبط منتشرشده به صورت هدفمند جستجو و بررسی شد و سپس دلایل قائلین به نوپدید و مستحدثه‌بودن هیپنوتیزم، مشروعیت آن بر مبنای فقه اسلامی و همسویی آن با اصول چهارگانه اخلاق زیستی مورد تحلیل و بحث قرار گرفت.

یافته‌ها: سه دیدگاه فقهی در مورد هیپنوتیزم و استفاده از آن وجود دارد. از نظر بعضی از فقها هیپنوتیزم در زمره سحر و جادو قرار دارد که انجام آن حرام است. برخی دیگر از فقها زمانی استفاده از هیپنوتیزم را جایز شمرده‌اند که ضرورتی ایجاب کند. دیدگاه سوم وجود دارد که آن را از مسائل نوپدید دانسته و بایستی حکم فقهی و اخلاقی در مورد آن استنباط شود. اصل احترام به اختیار انسان، اساساً در مورد هیپنوتیزم‌شونده با آنچه در شرع آمده است، در تعارض است، اما مبنای شرعی با سه اصل خیررسانی، ضرررسانی و عدالت همخوانی دارد.

نتیجه‌گیری: نظر به نوپدیدبودن مسأله هیپنوتیزم، می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس قاعده لاضرر در فقه اسلامی و اخلاق زیستی، کاربرد هیپنوتیزم در پزشکی در صورت ضرورت مجاز است.

واژگان کلیدی: هیپنوتیزم؛ سحر؛ فقه اسلامی؛ اخلاق زیستی؛ نوپدید

مقدمه

هیپنوتیزم به عنوان یک وسیله مفید در پزشکی و روانشناسی، جایگاه مهمی را نزد متخصصین این حوزه‌ها به دست آورده است. هیپنوتیزم، حالت موقتی ادراک دستکاری شده در موجود زنده است که ممکن است به وسیله شخص دیگری ایجاد شده باشد و در این حالت پدیده‌های گوناگونی به طور خود به خود یا در پاسخ به محرک‌های کلامی یا محرک‌های دیگر ممکن است ظاهر شود (۱).

در طی دو قرن اخیر نظریه‌های متفاوتی درباره هیپنوتیزم و ماهیت آن ارائه شده است و فقها با توجه به برداشتی که از ماهیت آن داشته‌اند، احکام متفاوتی در مورد آن ارائه کرده‌اند. مطابق با یکی از مقالات منتشرشده در انجمن روانشناسی آمریکا، اگرچه هیپنوتیزم یک مسأله بحث‌برانگیز است، اما اکثر پزشکان و روانشناسان معتقدند که آن یک روش درمانی مؤثر و قدرتمند برای محدوده وسیعی از شرایط از قبیل اختلالات شخصیتی، اضطراب و درد می‌باشد. هیپنوتیزم همچنین می‌تواند به افراد کمک کند تا بتوانند اعتیادشان از قبیل کشیدن سیگار را ترک کنند (۲).

سه دیدگاه در مورد استفاده از هیپنوتیزم در بین فقهای شیعه وجود دارد. دیدگاه اول، هیپنوتیزم را در زمره سحر و جادو قرار می‌دهد که به نظر ایشان، انجام آن مطلقاً حرام است (۳)؛ دیدگاه دوم، حکم به حرمت هیپنوتیزم داده‌اند، اما در هنگام ضرورت آن را جایز شمرده‌اند (۴)؛ اما دیدگاه سوم برخلاف عقیده دو گروه قبلی، آن را از مسائل نوپدید دانسته که بیانی از شارع مقدس در رابطه با حکم آن به شکل صریح نرسیده است، لذا حکم به جواز آن داده‌اند (۵). گروه اول و دوم برای اثبات نظریه خود به کتاب، سنت و عقل استدلال نموده‌اند، اما گروه سوم به این دلیل که نمی‌توان از ادله اجتهادی، حکم واقعی هیپنوتیزم را به دست آورد، لذا به اصول عملیه و دلیل فقهاتی تمسک کرده‌اند. قائلین به جواز استفاده از هیپنوتیزم در هنگام ضرورت به قاعده اضطرار و قاعده اهم و مهم استدلال نموده‌اند.

قائلین به اباحه و جواز هیپنوتیزم بر این باورند که شباهت مناسبی بین هیپنوتیزم و سحر وجود ندارد. از نظر ایشان از

قبیل سحر و جادو بودن هیپنوتیزم، معلوم نیست، بلکه به عقیده آنان هیپنوتیزم نوعی تأثیر و سلطه روحی بر روح دیگر است (۶). این افراد معتقدند اگرچه بین مفهوم سحر و هیپنوتیزم، ممکن است شباهت‌های ظاهری دیده شود، اما با بررسی دقیق مفهوم هیپنوتیزم و موارد استفاده از آن به این مسأله پی می‌بریم که امر رموزی در این بین وجود ندارد. از نظر این افراد، واقعیت‌های علمی که درباره هیپنوتیزم وجود دارد را نمی‌توان به راحتی منکر شد و هیچ امر سحرآمیزی در این بین وجود ندارد. این عده معتقدند که هیپنوتیزم چیزی نیست جز یک رابطه بین شخصی که در آن بیمار، محدودیت‌های فزاینده درباره پذیرش حسی خود را اجازه می‌دهد و تمام محرک‌های نامربوط را به جز آن‌هایی که درمانگر مورد توجه وی قرار می‌دهد از ذهن خارج می‌سازد. این موضوع باید مورد تأکید قرار گیرد که درمانگر تنها صحنه هیپنوتیزم را اداره می‌کند، ولی سرانجام بیمار است که اجازه می‌دهد رابطه هیپنوتیزمی از طریق توجه انتخابی ایجاد شود (۷). از نظر ایشان برخلاف عقیده عمومی، هیپنوتیزم به هیچ وجه به معنای کنترل یک شخص توسط دیگری نیست. تأثیر هیپنوتیزم در واقع مانند تأثیر یک راهنما یا یک عامل محرک است (۸). در مقابل این عده از فقها که قائل به اباحه هیپنوتیزم هستند، فقهای بسیاری وجود دارند که معتقدند هیپنوتیزم‌کنندگان با سحر کلامی یا جادوی صدا در قالب جدید خود به نام هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی، اقدام به کارهای شگفت‌انگیز می‌نمایند و متأسفانه بعضی از آن‌ها از این طریق به تجارت سوء می‌پردازند. معنی سحر کلامی که تقریباً می‌شود گفت مرادف با تلقین یا هیپنوتیزم است، عبارتست از: امری غریب و لطیف که در قلوب نافذ است و همانند سحر، آن را از حالی به حال دیگر تغییر می‌دهد (۹).

تا جایی که نویسندگان بررسی نمودند، تاکنون تحقیقی انجام نشده که در مقام پاسخگویی به ادله قائلین به جواز هیپنوتیزم برآید، لذا ضروری به نظر می‌رسد که ادله فقهای قائل به اباحه هیپنوتیزم مورد نقد قرار گیرد تا از این کنکاش، حکم الهی استخراج شود. همچنین از منظر اخلاقی لازم است این موضوع مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود از نظر

۲- هیپنوتیزم به عنوان یک مسأله نوپدید (مستحدثه)

مسائل مستحدثه مسائلی هستند که در فقه اسلامی، حکم شرعی برای آنان وجود نداشته و یا این‌که حکم شرعی داشته‌اند، اما به خاطر دگرگون شدن شرایط جامعه، حکم شرعی جدید انتظار می‌رود. از دید یک هیپنوتیزم درمانگر، هیپنوتیزم یک روش مفید برای کمک به افراد است تا بتوانند بر مشکلات فعلی غلبه کنند، نگرش خود را نسبت به زندگی تغییر دهند و با استفاده از آن، بر اهداف خود متمرکز شوند و به نحو مطلوب به مقابله با مسائل و ناراحتی‌های خود بپردازند (۱۳). به جز مواردی که افراد سودجو به اسم هیپنوتیزم به کلاشی و درمان غیر تخصصی بیماران می‌پردازند، موارد استفاده از هیپنوتیزم نیز خود گواه بر غیر اسرارآمیز بودن آن است. شکی نیست که هیپنوتیزم می‌تواند با افزایش انگیزه و تغییر نگرش فرد در بالابردن احتمال موفقیت وی نقش داشته باشد (۱۴).

۲-۱- دلایل طرفداران هیپنوتیزم به مثابه یکی از

مسائل نوپدید: افرادی که قائل به نوپدید بودن هیپنوتیزم هستند و آن را متمایز از سحر می‌دانند، این‌گونه استدلال می‌کنند که بررسی منابع فقهی و قرآنی و مفهوم سحر، بیانگر سه نکته در مورد آن است که اولاً سحر امری است خارق‌العاده (۱۵)؛ ثانیاً عبارات فقها حکایت از آن دارد که عملی سحر محسوب می‌شود که مشتمل بر اضرار باشد. بنابراین سحر امری است که ضرررساندن به دیگری را دربر دارد (۱۶)؛ ثالثاً انجام سحر بدون اراده و اجازه و تماس با مسحور می‌باشد (۱۷). بدین دلیل حکم فقهی سحر مشمول حرمت است و تعلیم و تعلم آن به غیر از موارد خاصی حرام است، اما در مفهوم هیپنوتیزم چنین شباهت‌هایی با سحر دیده نمی‌شود، زیرا اولاً هیپنوتیزم، امری خارق‌العاده نیست، بلکه تئوری‌ها و شیوه‌های آن مشخص است، هرچند همچون دیگر مسائل علمی، تبیین علمی کامل و نهایی در این مورد نداریم؛ ثانیاً قصد هیپنوتیزم‌کننده در استفاده از هیپنوتیزم، بهبودی سوژه است و غرضی در بین نیست؛ ثالثاً هیپنوتیزم‌شونده خود به شکل ارادی برای دریافت منافع که از چنین شیوه‌ای متصور است، آماده استفاده از آن می‌شود و هیپنوتیزم‌کننده بدون اراده سوژه، قادر به هیپنوتیزم وی نیست (۱۸). از نظر این

فقهی و اخلاقی، استفاده از هیپنوتیزم در تعارض یکدیگر قرار می‌گیرند یا مکمل هم می‌باشند. بنابراین می‌توان گفت که جنبه نوآوری این مقاله، جمع‌آوری استفتائات و بیان ادله بر اساس آن می‌باشد و تلاش دارد تا به این سؤالات پاسخ دهد که ادله قائلین به اباحه هیپنوتیزم چیست؟ چه ایراداتی بر این ادله وارد است؟ از دیدگاه اخلاقی شایست یا ناشایست‌های استفاده از هیپنوتیزم چیست؟

از آنجا که هیپنوتیزم از نظر برخی از فقها، از مسائل نوپدید به شمار می‌آید که استفاده از آن مباح است و از نظر عده‌ای دیگر از فقها، از مصادیق سحر محسوب می‌گردد و با توجه به استفاده از آن در جامعه، ضرورت دارد که دلایل قائلین به نوپدید بودن آن در فقه شیعه بررسی گردد. از سوی دیگر هیپنوتیزم‌کننده در صورت مباح بودن هیپنوتیزم، ملزم به حفاظت از حقوق هیپنوتیزم‌شونده و پیشگیری از آسیب به وی می‌باشد. از این رو این مطالعه با هدف تحلیل مشروعیت کاربرد هیپنوتیزم از منظر فقه اسلامی و اصول چهارگانه اخلاق زیستی انجام شده است.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه تحلیلی، متون و مقالات مرتبط منتشرشده به صورت هدفمند جستجو و بررسی شد و سپس دلایل قائلین به نوپدید و مستحدثه بودن هیپنوتیزم و مشروعیت و همسویی آن با اصول اخلاق زیستی مورد تحلیل و بحث قرار گرفت.

۱- هیپنوتیزم

کلمه هیپنوتیزم از لغت یونانی هیپنوز به معنی خواب گرفته شده است و به هنگام هیپنوتیزم کردن، ما معمولاً کلمه خواب را به اشکال مختلف به کار می‌بریم و در جریان کار به سوژه تلقین می‌کنیم تا سست و خواب‌آلوده شود (۱۰). هیچ اجماعی درباره تعریف هیپنوتیزم وجود ندارد. هیپنوتیزم، سیستم امنیتی ذهن را به گونه‌ای خلع سلاح کرده و آن را دور می‌زند که مستقیماً با ذهن درونی، ارتباط برقرار کند (۱۱). استفاده از هیپنوتیزم در ایجاد بی‌حسی و بیهوشی در جراحی، بیماری‌های زنان و زایمان و دندانپزشکی می‌تواند بسیار مفید باشد (۱۲).

افراد وقتی نزدیکی معناداری بین هیپنوتیزم و سحر مشاهده نشود، نمی‌توان حکم سحر را به هیپنوتیزم سرایت داد، لذا هنگامی که شواهد مستقیمی از مفهوم مورد بررسی در منابع فقهی وجود ندارد، چاره‌ای نیست که به استنباط حکم آن به عنوان یک مسأله مستحدثه پرداخته شود و با توجه به ویژگی‌های آن مورد بررسی فقهی قرار گیرد. از این رو بر اساس فتوای بعضی از فقها، فی‌نفسه اشکالی ندارد (۱۹) یا این‌که اگر به منظور غرض عقلایی و با رضایت هیپنوتیزم‌شونده صورت بگیرد و همراه با کار حرامی هم نباشد، اشکال ندارد. به طور کلی یادگیری هیپنوتیزم و استفاده از آن به غرض عقلایی حلال و قابل ملاحظه اشکال ندارد به شرط این‌که با رضایت و موافقت کسی باشد که می‌خواهد به خواب مصنوعی برود و ضرر معتنا بهی هم برای او نداشته باشد (۲۰)، البته برای این‌که جلوی سوداگران و شیادان گرفته شود، در ادامه حکم به اباحه هیپنوتیزم، این‌گونه فتوا داده‌اند که هر کاری که به انسان صدمه و ضرر وارد کند، حرام است و جایز نمی‌باشد (۲۱). بعضی نیز حکم داده‌اند که چنانچه خوف ضرر بر کسی که این عمل با او انجام می‌گیرد یا شخصی دیگر داده شود، جایز نیست (۲۲).

۲-۲- حکم هیپنوتیزم به عنوان یک مسأله مستحدثه:

با توجه به این‌که شواهد مستقیمی دال بر مفهوم هیپنوتیزم در منابع فقهی یافت نمی‌شود، لذا ضروری است که به استنباط حکم آن به عنوان یک مسأله مستحدثه روی آوریم. در مسائل مستحدثه، مکلف مجتهد یا حکم واقعی آن را از طریق ادله قطعی یا ظنی به دست می‌آورد و یا نسبت به حکم شرعی آن متحیر است و نمی‌داند که حکم شرعی آن مسأله وجوب است یا حرمت؟ از نظر قائلین به علم نوپدید بودن هیپنوتیزم، با توجه به این‌که شباهت مناسبی بین هیپنوتیزم و سحر وجود ندارد. بنابراین با توجه به دلیل اجتهادی نمی‌توان حکم واقعی استفاده از هیپنوتیزم را به دست آورد، زیرا بیانی از شارع مقدس در رابطه با حکم آن به شکل صریح نرسیده است. بدین خاطر باید با تمسک به اصول عملیه و دلیل فقهاتی، حکم ظاهری آن را پیدا کرد. در ابتدای امر باید بررسی نمود که شبهه از نوع شبهه حکمیه است یا شبهه موضوعیه؟

شباهت حکمیه عبارتند از مواردی که اشتباه در یک حکم شرعی فرعی کلی الهی باشد (احکام شرعی فرعی کلی، وظایفی هستند که شارع یا عقل، در صورت نبود شرع، وضع می‌کند)، مثلاً آیا استعمال دخانیات حلال یا حرام است. شباهت موضوعیه عبارتند از مواردی که اشتباه در یک حکم شرعی فرعی جزئی باشد که به موضوع معینی در خارج مرتبط می‌شود و کلیت ندارد. در شباهت حکمیه منشأ شبهه یا فقدان و یا اجمال و یا تعارض نصوص است، ولی در شبهه موضوعیه، امور خارجی منشأ شک هستند. دیگر این‌که در موارد شک در حکم واقعی، دو حالت وجود دارد یا شک ما دارای حالت سابقه یقینی است و در مقام حکم هم شارع آن حالت سابقه را لحاظ کرده که در این صورت مجرای استصحاب است و یا شک ما ابتدایی است، یعنی حالت سابقه ندارد و یا اگر دارد، شارع در مقام صدور حکم به آن توجهی نکرده که در این فرض یا شک در تکلیف است و یا در مکلف به (هر آن چیزی است که تکلیف به آن تعلق می‌گیرد) که صورت اول، مجرای اصل برائت است و در مورد دوم یا حکم به احتیاط، ممکن است و یا ممکن نیست؛ در مورد اول اصل احتیاط جاری است و در مورد دوم اصل تخییر جاری است که در دوران بین محذورین جاری می‌شود (۲۳) و دیگر این‌که در باب شک در تکلیف باید اشاره کنیم که شباهت بر سه نوع هستند: یا تحریمی هستند که همیشه یک طرف شبهه، احتمال حرمت است و طرف دیگر احتمال غیر وجوب از سایر احکام، یعنی اباحه یا کراهت یا استحباب یا وجوبه‌اند که همیشه یک طرف شبهه، احتمال وجوب و طرف دیگر احتمال غیر حرمت از سایر احکام سه‌گانه است و یا دوران بین محذورین است که همیشه یک طرف شبهه وجوب و طرف دیگر آن حرمت است.

بنابراین با توجه به تمهیدات یادشده به نظر می‌رسد حکم ظاهری هیپنوتیزم بر طبق اصل برائت اباحه است، زیرا شبهه حکمیه تحریمیه است که منشأ شبهه فقدان نص است، زیرا نمی‌دانیم که آیا هیپنوتیزم در اسلام حرام است یا نه؟ چون نص خاصی در این باره وجود ندارد، بدین خاطر بر طبق نظر اصولیون می‌توان اصل برائت را جاری کرد و فتوا به اباحه ظاهریه داد.

اگر منشأ شبهه را اجمال نص بدانیم (یعنی این‌که دلیل هست، ولی اجمال دارد و کامل نیست)، چون اجمال لفظ از ناحیه معنای موضوع‌له (معنای معینی است که لفظ برای آن وضع می‌شود) است. یعنی نمی‌دانیم که برای چه معنایی وضع شده و مراد شارع چیست؟ در مورد سحر شارع فرموده: السحر حرام (۲۴) و الساحر کالکافر (۲۵) ولی ما نمی‌دانیم که معنای سحر چیست؟ آیا هیپنوتیزم از مصادیق سحر است یا نه؟ بنابراین وقتی که نمی‌دانیم آیا مراد شارع چنین هست یا نه و شک می‌کنیم که آیا حرام است یا حلال، اصولیون در شبهه حکمیه تحریمیه که منشأ آن اجمال نص باشد، نیز اصل برائت را جاری کرده و حکم به جواز داده‌اند.

۳- ایرادات وارد بر دلایل طرفداران علم غریبه‌بودن هیپنوتیزم

اشکالاتی که در استدلال افرادی که قائل به هیپنوتیزم به مثابه یک مسأله نوپدید وجود دارد، این است که اولاً سحر امری خارق‌العاده نیست، زیرا سحر، اصلاً حقیقی نیست که بخواهد خارق‌العاده باشد و آنچه که خارق‌العاده به معنای واقعی می‌باشد، معجزه پیامبران است. ساحران وقتی سحری انجام می‌دهند، نمی‌توانند ادعا کنند که کسی دیگر قادر نیست کار آن‌ها را انجام بدهد، اما انبیا هنگامی که عمل خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهند و معجزه می‌کنند تا مردم به آن‌ها ایمان آورند، سایر افراد را نیز به مبارزه و رقابت با خودشان می‌طلبند که اصطلاحاً به آن تحدی می‌گویند و بدین ترتیب اعلام می‌دارند که کسی توانایی انجام کار آن‌ها را ندارد.

ممکن است گفته شود اگر سحر حقیقی نیست، پس چرا برای جدایی زن و شوهر و ضرر مردم از آن استفاده شده است، زیرا از بعضی از آیات قرآن استفاده می‌شود که قسمتی از انواع سحر به راستی اثر می‌گذارند و دارای حقیقتی هستند، مانند آیه ۱۰۲ سوره بقره که خداوند در قسمتی از آیه می‌فرماید: «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ» آن‌ها از آن دو (فرشته‌های هاروت و ماروت)، مطالبی (سحرهایی) را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند.»

در پاسخ می‌توان گفت سحر تأثیر می‌گذارد و حقیقتی را به دنبال دارد، اما نمی‌شود برای آن حقیقتی را تصور کرد به عنوان مثال در دروغ با آنکه شخص دروغگو، حقیقتی را به زبان نمی‌آورد و سخنی غیر حقیقی از دهان او خارج می‌شود، اما همین گفتار کذب ممکن است بی‌گناهی را به زندان بیفکند یا بین دو نفر اختلاف ایجاد کند و به صورت واقعی تأثیرگذار باشد. در مورد سحر نیز چنین است که عملی است که حقیقی نیست، اما به دنبال خود اثری حقیقی در پی دارد. مرحوم خوئی در تفاوت بین سحر و معجزه آورده است که معجزه امری حقیقی است که بر پایه واقعیت استوار می‌باشد، منتها بر مسیر طبیعی جاری نمی‌شود، بلکه امری دفعی و خارق‌العاده است، اما سحر حقیقی نمی‌باشد و اصلاً واقعی نیست و در حقیقت امر خیالی محض می‌باشد (۲۶).

ثانیاً سحر اختصاص به عملی ندارد که مشتمل بر اضرار باشد. همانطور که در مطالب پیشین بیان شد از نظر بعضی از فقها مثل علامه در قواعد، در تحقق موضوع سحر و در تحقق عنوان سحر، اضرار را قید کرده بودند، اما همانطور که مرحوم خویی بیان کرده‌اند، مسأله اختلافی و از نظر بسیاری از بزرگان فقه، سحر مطلقاً حرام است، خواه مضر باشد و خواه نباشد، مگر در موقع ضرورت که عنوان دفع ضرر سحر با سحر باشد که در این صورت جایز است، و الا جایز نیست. دلیل ایشان بر مطلق بودن حرمت سحر، تمسک به ظاهر اطلاقات پیشین است و از این اطلاقات آشکار می‌شود که محدود کردن سحر به چیزی که در صحت قلب یا عقل یا بدن کسی ضرری وارد کند، وجه ندارد، چنانکه علامه در قواعد نیز همین را بیان کرده است (۲۷).

اگر قبول کنیم که آنچه از فتاوی فقها آشکار می‌شود این باشد که سحر مشتمل بر اضرار است، نمی‌توان گفت در هیپنوتیزم، ضرری وجود ندارد، زیرا در ضرری که در سحر تصور شده، لازم نیست که حتماً فرد مجنون شود یا چشم‌هایش نابینا گردد یا عقل کسی را زایل کند، بلکه همین که فرد سحر شده، به واسطه سحر به چیزی آنقدر علاقمند شود و این علاقمندی به حدی زیاد شود که دیگر مسحور نتواند به جریان عادی زندگی خود برگردد؛ این اختلال در روال عادی زندگی

نیز ضرر است، هرچند این ضرر شاید خیلی کم باشد، مانند این که فرد به واسطه سحر آنقدر علاقمند به دیدن ورزش فوتبال شود که تمام فکر و ذهن او مشغول این ورزش پرتفره‌دار شود و از جنبه‌های دیگر زندگی خود غافل بماند یا این که با استفاده از هیپنوتیزم، می‌توان شخص را آنقدر به پول علاقمند نمود که یک فرد سخاوتمند به یک انسان خسیس تبدیل شود و بالعکس. بنابراین به وسیله هیپنوتیزم می‌توان روی علائق، خواسته‌ها و تمایلات فرد اثر گذاشت، به طوری که گاه این تمایلات در تقابل با تمایلات قبلی فرد باشند، گاه گفتن یک جمله ساده، کفایت می‌کند: «تا زمانی که خلاف آن را نگفته‌ام تو یک فرد حریص و طماعی خواهی بود.» گاهی نیز باید با تفصیل بیشتری تلقینات را ارائه کرد: «تو آدمی هستی که به سختی برای به دست آوردن پول تلاش می‌کند و مدام نگران این است که مبادا روزی نتواند کار کند و به همین دلیل خود را از بسیاری از چیزها در زندگی محروم کرده است.» یک تغییر کامل‌تر در شخصیت را می‌توان با تلقین در مورد این که شخص از نظر شخصیتی شبیه افرادی خواهد شد که آن‌ها را می‌شناسد، به وجود آورد. این افراد می‌توانند افراد مشهوری چون ورزشکاران، سیاستمداران و یا هنرمندان باشند. گاهی می‌توان با استفاده از واپس روی زمانی، تغییرات شخصیتی را با آن همراه کرد و چنین القا کرد که شخصیت فرد با تغییر زمان عوض می‌شود (۲۸).

دکتر اریک فروم در شرح و تفسیر هیپنوتیزم، آن را یک حالت کاهش یافته هوشیاری معرفی کرده و در بیان آسیب پذیری‌های آن می‌گوید: اگر هیپنوتیزم در اختیار درمانگران بی‌دقت و بی‌احتیاطی که به صورت ضعیف آموزش دیده و شایستگی و کاردانی کافی را کسب نکرده باشند، قرار بگیرد، خطرهای متعددی برای بیماران محتمل و متصور خواهد بود (۲۹)؛ ثالثاً همیشه این گونه نیست که انجام سحر بدون اراده و اجازه و تماس با مسحور باشد. همان گونه که در هیپنوتیزم نیز همواره این گونه نیست که انجام هیپنوتیزم با اراده و اجازه و تماس با هیپنوتیزم‌شونده باشد. برای هیپنوتیزم‌شدن لزوماً به هیپنوتیزم‌کننده نیازی نیست، بلکه با فیلم و نوار ویدئو هم امکان هیپنوتیزم‌شدن هست (۳۰). بعضی اوقات از طریق یک

داستان جالب و قصه‌گویی به القای هیپنوتیزم پرداخته می‌شود، مثلاً زمانی که کودک در کنار آمدن با اضطراب خود مشکل دارد، می‌توان داستانی راجع به یک قهرمان مورد علاقه او تعریف کرد که قادر به کنترل اضطرابش می‌شود. برای القای هیپنوتیزم در بعضی کودکان می‌توان از روش تلویزیون جادویی استفاده کرد. از او می‌خواهیم که راحت نشسته، چشمان خود را ببندد و تصور کند که در حال تماشای یک تلویزیون مخصوص جادویی است و قادر است آنچه را که دوست دارد بر روی صحنه ببیند و چون تلویزیون جادویی است او هم می‌تواند با قهرمان‌ها و شخصیت‌های داستانی همراهی و بازی کند (۳۱).

۴- هیپنوتیزم و اصول چهارگانه اخلاق زیستی

اخلاق زیستی مبحثی است که به بحث، تبادل نظر و تامل پیرامون موضوعات زیست‌شناسی و علوم بهداشتی می‌پردازد و منظور عمده آن سوق دادن تفکر بشری به سمت ارزش‌های اخلاقی در حیطه پیشرفت‌های وسیع علمی و فناوری می‌باشد (۳۲). بوچامپ و چیلدرس در کتاب خود، چهار اصل اساسی در اخلاق زیست‌پزشکی را مطرح نموده‌اند که عبارتند از:

- اصل احترام به استقلال فردی: حق امتناع یا انتخاب درمان توسط بیمار.

- اصل خیررسانی: پزشک باید در جهت منافع بیمار عمل کند.

- اصل ضررنرسانی: پزشک آسیب یا خسارتی ایجاد نکند.

- اصل عدالت: رعایت مساوات در درمان. این اصول اولاً الزام‌آورند؛ ثانیاً جنبه الزام‌آوری آن‌ها تا زمانی است که با اصول دیگر در تضاد نباشند (۳۳).

۴-۱- اصل احترام به استقلال فردی: این اصل از

ارزش‌های اخلاقی نشأت می‌گیرد و از مهم‌ترین اصول پذیرفته شده در پزشکی نوین و یکی از اساسی‌ترین ارکان ارتباط پزشک و بیمار به شمار می‌رود. سلطه انسان بر خویش به عنوان یک قاعده در فقه اسلامی مورد پذیرش است و از آن به عنوان «الناس مسلطون علی انفسهم» یاد می‌کنند، یعنی هر یک از مردم اختیار خود را دارند. این یک قاعده عقلایی است که هیچ منعی از سوی شارع نسبت بدان نرسیده، بنابراین مورد

پذیرش شرع هم قرار گرفته است (۳۴). احترام به اختیار انسان در استفاده از هیپنوتیزم بدین معناست که بدون هیچ قید و شرطی می‌توان آن را به کار برد که با مبنای شرعی استفاده از آن در تعارض است، زیرا جوامع سکولار در این باب بر این باورند که افراد جامعه در خصوص این‌که چگونه زندگی کنند تا آنجا که به دیگران زیان نرسانند، استقلال کامل دارند و نمی‌توان فعلی را به دلیل این‌که به خود فرد آسیب می‌رساند، غیر اخلاقی دانست (۳۵). در مورد اختیار هیپنوتیزم کننده، مبنای شرعی با اصول اخلاق زیستی همخوانی دارد، زیرا درمانگر علاوه بر رعایت رازداری بایستی صرفاً به اندازه نیاز جهت درمان به حریم شخصی هیپنوتیزم‌شونده ورود کند، چنانکه آیات قرآن نیز به شدت تجسس در اطلاعات شخصی دیگران را منع می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید...» (۳۶). بنابراین رضایت به انجام هیپنوتیزم هیچ وقت مجوز ورود نامحدود به حریم خصوصی انسان و توهین به شأن و منزلت او نیست. در مراتب عمیق خلسه هیپنوتیزمی که اراده و اختیار هیپنوتیزم‌شونده تحت سلطه درمانگر قرار می‌گیرد (گرچه به ندرت این موارد پیش می‌آید)، درمانگر حق ورود به مسایل شخصی غیر مرتبط با روند درمان یا الزام فرد به امور ناشایست و خلاف شأن هیپنوتیزم‌شونده را ندارد.

۲-۴- اصل خیرسانی: وظیفه سودمندبودن کاملاً با سنت معالجه و شفادهی مرتبط است. پزشکان باید صلاحیتی در خود داشته باشند، چراکه پزشکی که مهارت‌های علمی و عملی ضروری را ندارد، نه تنها بعید است به بیمار فایده برساند، بلکه ممکن است باعث ضرررساندن به بیمار شود. این نکته به طور عام پذیرفته شده است که برای فایده‌رساندن به بیمار گاهی لازم می‌شود که بیمار در معرض برخی خطرهای قرار داده شود، اما به عنوان یک قاعده کلی، میزان خطر احتمالی باید با میزان فایده مورد انتظار قابل توجیه باشد (۳۷). بنابراین کسی که هیپنوتیزم را انجام می‌دهد، باید دارای گواهینامه علمی هیپنوتیزم باشد. انجام هیپنوتیزم بدون داشتن مهارت و گواهینامه معتبر، کاری غیر قانونی و غیر اخلاقی است، زیرا

فردی که در این زمینه آموزش‌های لازم را کسب نکرده، به طور قطع نمی‌تواند به بیمار کمک کند.

۳-۴- اصل ضرررسانی: مفهوم عدم ضرررسانی به معنای واردنکردن آسیب و صدمه در هر اقدامی است. بسیاری معتقدند که این مسأله باید ملاحظه اصلی و اولیه در فرایند درمان باشد و مهم‌ترین وظیفه درمانگر این است که ضمن ارائه بهترین خدمات ممکن، به بیمار صدمه‌ای نزنند. مطابق دیدگاه حداقل‌گرایی، حتی اگر پزشکان موظف به سودرسانی به بیمار نباشند، حداقل چیزی که وظیفه آن‌ها است، پرهیز از آسیب به بیماران می‌باشد. با این حال در عمل، بسیاری از درمان‌ها و اقدامات پزشکی، خطراتی را به دنبال دارند که گریزناپذیر است، ولی در حوزه علمی و تخصصی رایج (چه در مقام تشخیص یا درمان یا باز توانی)، تمام تلاش پزشک به گونه‌ای است که کم‌ترین صدمه و آسیب وارد شود. بنابراین پزشک مجاز به انجام اقدامی است که منافع آن بیش از خطراتش باشد. علی‌رغم سودهایی که هیپنوتیزم می‌تواند برای انسان داشته باشد، استفاده از هیپنوتیزم در بسیاری از بیماری‌های روانپزشکی نظیر جنون، اختلالات دوقطبی و افسردگی‌های شدید، مؤثر نیست و حتی ممکن است به تشدید این بیماری‌ها بیانجامد.

۴-۴- اصل عدالت: از عدالت در اخلاق به دو معنای، توزیع برابر و منصفانه مسئولیت‌ها و منافع یاد می‌شود. عدالت به عنوان انصاف خود نیز دو تفسیر دارد: رفتار یکسان با مردم یا برخورداری عادلانه شخص از امکانات (۳۸). اگر مفهوم عدالت توزیعی پذیرفته شود، به موجب آن باید عدالت بر کارآیی و آزادی بر امتیازات اقتصادی و اجتماعی تفوق یابد (۳۹). نتیجه اخلاقی که در حیطه زیستی و سلامت می‌توان گرفت، آن است که همگان باید صرف نظر از نژاد، جنس، سن و... از امکانات بهداشتی و درمانی بهره‌مند شوند (۴۰). هیپنوتیزم‌کننده باید تمام بیماران خود را منصفانه و بدون هیچ تبعیضی مداوا نماید و بدون توجه به سطح تحصیلات یا طبقه اجتماعی بیمار یا زمینه‌های مذهبی یا نژادی، از هر گونه رفتاری که موجب عصبانیت یا خجالت او می‌شود، جلوگیری نماید. از طرفی انصاف اقتضای آن را دارد که افراد را در معرض

آزمایش‌های خطرناک قرار نداد و این حق (آزادی و حق بر جان و تن) بر مزایای اقتصادی و اجتماعی آن غلبه دارد (۴۱)، لذا هیپنوتیزم‌کننده می‌بایست از هیپنوتیزم افرادی که با انجام آن ممکن است در معرض خطر قرار گیرند، خودداری نماید.

نتیجه‌گیری

اقوال فقهای معاصر پیرامون به کارگیری هیپنوتیزم به سه دسته تقسیم می‌شود: بعضی هیپنوتیزم را در زمره سحر و جادو قرار داده‌اند؛ عده‌ای دیگری از فقها در صورتی که ضرورت استفاده از آن توسط متخصصین روانشناسی و پزشکی ثابت شود حکم به جواز این عمل می‌دهند؛ گروهی نیز هیپنوتیزم را یک مسأله نوپدید دانسته که استفاده از آن مباح است. با توجه به ایرادات ذکرشده بر ادله قائلین به اباحه، ادله جواز استفاده از هیپنوتیزم در صورت ضرورت و بنا بر تشخیص متخصصین پزشکی و روانشناسی نسبت به نوپدیددانستن موضوع و حکم به اباحه آن از قوت بیشتری برخوردار است.

اصول اخلاق زیستی در مورد هیپنوتیزم، تنها در اصل احترام به اختیار انسان، آن هم در مورد هیپنوتیزم‌شونده با مبانی شرعی استفاده از هیپنوتیزم، تعارض دارد، زیرا در کشورهای سکولار، افراد جامعه در خصوص این‌که چگونه زندگی کنند تا آنجا که به دیگران زیان نرسانند، استقلال کامل دارند و نمی‌توان فعلی را به دلیل این‌که به خود فرد آسیب می‌رساند، غیر اخلاقی دانست. بنابراین اصل احترام به اختیار و استقلال انسان در استفاده از هیپنوتیزم، بدین معناست که بدون هیچ قید و شرطی می‌توان آن را به کار برد که با مبانی شرعی استفاده از آن در تعارض است، اما مبانی شرعی با سه اصل خیررسانی، ضرررسانی و عدالت همخوانی دارد.

References

1. Burrows RO, Stanley PB. International Handbook of Clinical Hypnosis. Chichester: John Wiley & Sons; 2001. p.12.
2. American Psychological Association. Hypnosis: <https://www.apa.org/topics/hypnosis/>.
3. Khomeyni SR. Istiftaat. 5th ed. Qom: ISlamic Publication Office of Jameeh modarresine Qom; 2001. Vol.2 p.22. [Persian]
4. Religious Dialog Community. 365 educative talk. Qom: Askdin.com Publication; 2014. p.70. [Persian]
5. Chatrchi N, Shoeiri MR. Study of Juridical viewpoint to Hypnotism. *Daneshvar Raftar Magazine, Shahed University Publication* 2005; 12(13): 71-78 [Persian]
6. Montazeri HA. Medical Rules. 5th ed. Qom: Sayeh Publication; 2006. p.171. [Persian]
7. Azad H. Hypnotism and Use of it for Psychotherapy. 1st ed. Tehran: Farabi; 2016. p.1. [Persian]
8. Farsad H. Hypnosis in Criminal Investigatation. 1st ed. Esfahan: Ghoreyshian; 1995. p.14. [Persian]
9. Abdullarrahan M. Muajamol mostala hatvalalfazolfeqhiye. Cairo: Darolfazile; 1999. Vol.2 p.249. [Arabic]
10. Farsad H. Hypnosis in Criminal Investigatation. 1st ed. Esfahan: Ghoreyshian; 1995. p.11-12. [Persian]
11. Hashemi J. Instant Self-Hypnosis. 1st ed. Tehran: Tajassom Khallagh; 2015. p.27-43. [Persian]
12. Firouzabadi A. Suggestion Suggestibility and Hypnotism. 1st ed. Shiraz: Navid Shiraz; 2004. p.141-152. [Persian]
13. Mirzamani M. Basic Hypnosis Education. 1st ed. Tehran: Golban; 2000. p.6. [Persian]
14. Firouzabadi A. Suggestion Suggestibility and Hypnotism. 1st ed. Shiraz: Navid Shiraz; 2004. p.120. [Persian]
15. Abdullarrahan M. Muajamolmostalahat. Cairo: Darolfazile; 1999. Vol.2 p.249. [Arabic]
16. Fakhar J. Dar MahzarSheykh Ansari, Sharh Moharrame. Qom: Darol Hekme; 2012. p.167. [Persian]
17. Helli H. Tahrir al-Ahkam al-Shareiye ala Mazhab al-Emamiye. Qom: Imam Sadiq; 1420. Vol.5 p.396. [Arabic]
18. Chatrchi N, Shoeiri MR. Study of Juridical viewpoint to Hypnotism. *Daneshvar Raftar Magazine, Shahed University Publication* 2005; 13(12): 71-78. [Persian]
19. Sistani A. Istiftaat. Isfahan: Computer Research Center of Qaemieh of Isfahan; 2011. p.416. [Persian]
20. Khamenei A. Ajvaba al-Istiftaat. 1st ed. Qom: Daftar Muazam al-Lah; 2003. p.270-271. [Arabic]
21. Sistani A. Istiftaat. Isfahan: Computer Research Center of Qaemieh of Isfahan; 2011. p.416. [Persian]
22. Tabrizi J. Istiftaat Jadid. 1st ed. Qom: Sarvar; 2006. Vol.2 p.270-271. [Persian]
23. Al-Muzaffar MR. Usul al-Fiqh. Qom: Al-Joze al-Rabe; 1984. p.269-272. [Arabic]
24. Khoei SA. Misbah al-Fiqah. Qom: Muasasat Ansaryan Liltabaeat Walnashr; 1996. Vol.1 p.283. [Arabic]
25. Kashani MM. Al-Vafi. Isfahan: Amir al-Momenin Library; 1985. Vol.12 p.356. [Arabic]
26. Khoei SA. Misbah al-Fiqah. Qom: Muasasat Ansaryan Liltabaeat Walnashr; 1996. Vol.1 p.287-288. [Arabic]
27. Khoei SA. Misbah al-Fiqah. Qom: Muasasat Ansaryan Liltabaeat Walnashr; 1996. Vol.1 p.294. [Arabic]
28. Firouzabadi A. Suggestion Suggestibility and Hypnotism. 1st ed. Shiraz: Navid Shiraz; 2004. p.108. [Persian]
29. Sarmadi E. Harmful Effects of Scene Hypnosis. *Shadkami va Movafaghiyat Magazine* 2008; 5(52): 38-39. [Persian]
30. Mirzamani M. Basic Hypnosis Education. 1st ed. Tehran: Golban; 2000. p.123. [Persian]
31. Firouzabadi A. Suggestion Suggestibility and Hypnotism. Shiraz: Navid Shiraz; 2004. p.122. [Persian]
32. Boemer MR, Sampaio MA. The Exercise of nursing in bioethical dimension. *Rev Lat Am Enfermagem* 1997; 5(2): 33-38.
33. Beauchamp TL, Childress J. Principles of Biomedical Ethics. 7th ed. USA: Oxford University Press; 2013.
34. Hamedani R. Hashia al-Makasib. Qom: Setareh; 1999. p.483. [Arabic]
35. Mehrpour H, Tafreshi MI, Abdali M. Ejraye Hoghoghe Akhlag. *Modares* 2002; 5(4): 125-140. [Persian]
36. The Holy Quran. Hojorat: 12.

37. Larijani B. Physician and Ethical Considerations. 1st ed. Tehran: Nashr Frada; 2002. p.76. [Persian]
38. Jecker NS. A broader View of justice. *American Journal of Bioethics* 2008; 8(10): 2-10.
39. Rawls J. A Theory of Justice. 1st ed. Massachusetts: Oxford University Press; 1971. p.261-262.
40. Smith II, George P. Human Rights and Biomedicine. Hague: Kluwer Law International; 2000. p.12.
41. Alsan M. The Principles of Bioethics. *Legal Research Journal* 2007; 45(1): 153-183. [Persian]